پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۵ زمستان ۱۴۰۰

No.45 Winter 2022

۷۸-۶۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

تحلیل و تاریخ‌گذاری نسبی مجموعهٔ بین‌راهی چهل‌پایهٔ شهرستان طبس

علی‌اصغر محمودی‌نسب: دانش‌آموخته دکتری، گروه باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، ایران (aliasqarmahmoodi@yahoo.com)

حسین صدیقیان: استادیار، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، ایران

سید رضا رافعی: دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بیرجند، ایران (Rafei.reza@gmail.com)

محمد فرجامی: کارشناس باستان‌شناسی، اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خراسان جنوبی، بیرجند، ایران (farjamimohammad@yahoo.com)

چکیده

از گذشته تاکنون یکی از ملزومات راه‌های بین‌شهری برای کاروانیان یا مسافران وجود بناهای خدماتی و رفاهی با کارکردهای متفاوت بوده است. این ابنیه در گذشته بیشتر شامل تک بناهایی همچون کاروان-سرا و آب‌انبار بودند، اما در برخی مناطق ایران مجموعه‌ای از ابنیه خدماتی و رفاهی با کاربری‌های مختلف در کنار هم نیز شناسایی شده‌اند. این ابنیه عموماً در مناطقی ساخته‌شده‌اند که شرایط آب و هوایی مساعدی ندارند مانند مناطق گرم و خشک. یکی از این مجموعه بناهای شناسایی‌شده چهل‌پایه است که در مسیر راه باستانی خراسان-کرمان قرار دارد. چهل‌پایه امروزه در انتهای جنوبی بخش دیهوک شهرستان طبس و در داخل کویر لوت واقع است. در ارتباط با این مجموعه تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ درحالی‌که این مجموعه بنا به دو دلیلِ برخورداری از چند سازهٔ گوناگون با کاربری‌های متنوع و مراحل ساختِ چند دوره‌ای آن، اهمیت زیادی در مطالعات تاریخ معماری دارد. بر همین اساس اهداف اصلی پژوهش حاضر شامل بررسی و مقایسه کلی آثار این مجموعه، شناسایی کاربری احتمالی آن‌ها و تاریخ‌گذاری تقریبی هر یک بناهای آن است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و شیوهٔ گردآوری اطلاعات آن ترکیبی از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای است. بر این اساس، ضمن شناسایی کارکرد تمام ابنیه، چنین مشخص گردید که بناهای این مجموعه از میل‌های راهنما گرفته تا آب‌انبار و کاروان‌سرا، تماماً کارکرد خدماتی داشته‌اند، اما احتمالاً در دو یا چند دورهٔ زمانی از قرن چهارم تا سیزدهم هجری ساخته شده‌اند. به‌عنوان نمونه احتمالاً سازهٔ گنبدی اتراقگاهی و پایاب در مرحله اول، دو حوض‌انبار در مرحله دوم و کاروان‌سرا و تعدادی فضاهای معماری دیگر در مرحله سوم و در طول دورهٔ قاجاریه ساخته شده‌اند.

واژگان کلیدی: مجموعهٔ چهل پایه، جاده خراسان-کرمان، شهرستان طبس، بناهای بین‌راهی، دوران اسلامی

Abstract

From the past until now, one of the requirements of intercity roads for caravans or travelers has been the existence of service and welfare buildings with different functions. In the past, these buildings mostly included single buildings such as caravanserais and cisterns. However, in some parts of Iran, a series of service and welfare buildings with different uses have been identified together. These buildings are generally built-in areas with unfavorable weather conditions, such as hot and dry areas. Chehel-Paye is one of these identified buildings located on the ancient Khorasan-Kerman Road. Chehel-Paye is located today at the southern end of the Deihuk section of Tabas County, inside the Lut Desert. No independent research has been done on this collection. While this complex is very important in the study of the history of architecture for two reasons: 1- having various structures with various uses and 2- stages of construction of several periods. Therefore, it needed to be addressed in independent research. Accordingly, the main objectives of the present study include the following: general review and comparison of the works of this collection, identification of their possible use and approximate dating of each of its buildings. The method of this research is descriptive-analytical and the method of collecting information is a combination of field and library studies. In this article, while identifying the function of all buildings, it was found that the buildings of this complex were all service functions, but were probably built in two or more periods from the 10 to the 19th century. For example, Payab in the first step, two storage basins in the second step and caravanserai and a number of other architectural spaces in the third step were probably built during the Qajar period.

Keywords: Chehel-Paye complex, Khorasan-Kerman Road, Tabas city, intermediate buildings, Islamic era

*نویسنده مسئول مکاتبات:حسین صدیقیان (ir.ac.lu@h.sedighian)

مقدمه

پهناوری کشور ایران در ادوار مختلف و راه‌های بی‌شمار آن در طول تاریخ سبب می‌شد در مسیر جاده‌ها، ساختمان‌های فراوانی برای استراحت و حتی حفاظت کاروانیان از سرما و گرما ساخته شود. بی‌تردید می‌توان بیان داشت یکی از بزرگ-ترین رازهای موفقیت ایرانیان در تشکیل حکومت‌های باستانی و ایجاد تمدنی پرشکوه، هماهنگی کامل و وحدت نظر و عمل ایشان در گسترش شبکه راه‌های بزرگ سرتاسری با منزلگاه‌ها و کاروان‌سراهای متعدد بود (سیرو، ۱۹۴۹: ۱۳-۱۲؛ نراقی، ۱۳۵۲: ۵۷). شواهد تاریخی این ابنیه را حداقل از دورهٔ هخامنشی به بعد در متون تاریخی گوناگون می‌توان جست‌وجو کرد. به‌عنوان نمونه هرودت مورخ قرن پنجم پیش از میلاد، به منزلگاه‌هایی اشاره می‌کند که بین شوش و سارد قرار داشتند. وی از ۱۱۱ بنا شبیه کاروان‌سرا نام می‌برد که در طول ۲۵۰۰ کیلومتر ساخته‌شده و کاروانیان سه‌ماهه آن را طی می‌کردند (گریشمن، ۱۳۸۶: ۱۵۸-۱۵۷؛ ویسهوفر، ۱۳۸۸: ۱۰۲؛ سامی، ۱۳۸۹: ۱۵۸/۲؛ کخ، ۱۳۸۷: ۸۶؛ کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۱؛ حامی، ۱۳۵۸: ۷). این روند در طول دوران اشکانی و ساسانی نیز تداوم داشته و در برخی راه‌های تجاری کاروان‌سراهایی همچون کاروان‌سرای تل کُشک بیشاپور، از آن‌ها به یادگار باقی مانده است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۲۱۵). با ظهور اسلام و به‌ویژه از قرن سوم و چهارم هجری به بعد، تحولی در گسترش کاروان‌سراها به وجود می‌آید به‌نحوی‌که تقریباً در جای‌جای سرزمین ایران و در بیشتر مسیرهای کاروانی قدیم شاهد ساخت کاروان‌سراهای گوناگون هستیم. در اثر همین گسترش، هر مسافر تا هر زمان که مایل بود به صورت رایگان می‌توانست در کاروان‌سراها اقامت کند (صداقت‌کیش، ۱۳۸۶: ٤٥؛ نراقی، ۱۳۵۲: ۵۸). در همین ارتباط یکی از این منازل بین‌راهی، مجموعه بنای معروف به چهل‌پایه است که در جنوبی‌ترین قسمت شهرستان طبس یعنی ٦۰ کیلومتری جنوب‌غربی روستای ناییند از توابع بخش دیهوک قرار دارد. در ارتباط با وجه‌تسمیهٔ چهل پایه دو احتمال وجود دارد. اول وجود ستونچه‌های سنگی راهنما در مسیر راه ارتباطی کرمان-خراسان که به نظر اهالی منطقه ۴۰ ستونچه بوده است و دوم وجود یک پایاب با ۴۰ پله در آنجا که به ۴۰ پایه هم معروف است. این نام حتی در برخی منابع تاریخی اواخر زندیه و دورهٔ قاجاریه ذکرشده که نشان می‌دهد از گذشته این منطقه با نام چهل‌پایه شهرت داشته است. به‌عنوان نمونه در بخشی از کتاب *روضه‌الصفا* نوشتهٔ خواندمیر و در ذکر وقایع ۱۲۰٦ق اشاره به *راه چهل‌پایه لوط* شده است (میرخواند، ۱۳۳۹: ۵۷۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳٦۷: ۱۴۱۸؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۳۱۵؛ محمدابراهیم، ۱۳۴۳: ۲۰).

پیشینه پژوهش

در رابطه با این مجموعه تاکنون پژوهش جامع و مستقلی صورت نگرفته است. با توجه به اسناد منتشرشدهٔ موجود یا در دسترس، از معدود پژوهش‌هایی که اشاراتی به این مجموعه کرده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد: یکی از اولین پژوهش‌های صورت گرفته که به بخشی از بناهای این مجموعه پرداخته کتاب *کاروان‌سراهای ایران* است. در این اثر پلانی از کاروان‌سرا تهیه‌شده و توضیحات مختصری در مورد بنا بیان شده است. به‌جز این پژوهش، در *پروژهٔ بررسی باستان‌شناسی بخش دیهوک و دهستان پیرحاجات شهرستان طبس*، برای نخستین‌بار کل این مجموعه موردبررسی قرار گرفت و توصیفات کلی آن در گزارش منتشرنشدهٔ این بررسی ارائه شده است. به‌جز این دو مورد هیچ پژوهش دیگری در ارتباط با این مجموعه صورت نگرفته است. نظر به اینکه چهل‌پایه صرفاً از یک کاروان‌سرای بین-راهی تشکیل نشده، بلکه فضاهای معماری گوناگون دیگر نیز در پیرامون آن قرار دارد، ضرورت داشت که در قالب یک پژوهش علمی این مجموعه موردمطالعه قرار گیرد.

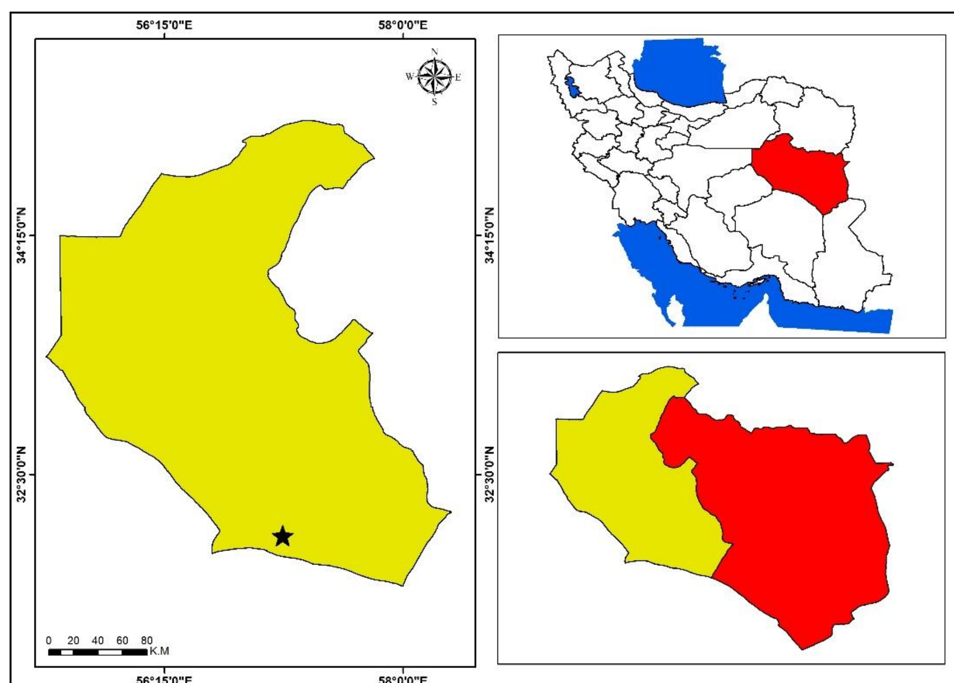
روش پژوهش

با توجه به این موارد هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی، مقایسه، تحلیل و تاریخ‌گذاری نسبی بناهای گوناگون این مجموعه می‌باشد. علاوه بر این، تلاش شده است تا کاربری احتمالی برخی بناهای موجود در آن با استفاده از مطالعات مقایسه‌ای مشخص گردد. در همین ارتباط پرسش‌های اصلی پژوهش شامل این موارد است: بناهای این مجموعه در چه دورانی ساخته شده‌اند؟ این ابنیه چه کاربری داشته-اند؟ و با کدام‌یک از بناهای شناخته‌شدهٔ موجود قابل‌مقایسه هستند؟ در جهت پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. نظر به اینکه

داده‌های اصلی این پژوهش نیز حاصل بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی بوده، درنتیجه شیوۀ گردآوری اطلاعات در آن بر پایۀ این بررسی‌ها و نیز مطالعات کتابخانه‌ای مرتبط با آن می‌باشد. در مقاله حاضر ضمن توضیحات مختصری در مورد موقعیت جغرافیایی مجموعه، هر یک از ابنیه آن جداگانه بررسی‌شده و درنهایت نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی ارائه شده است.

موقعیت جغرافیایی مجموعۀ کاروان‌سرای چهل‌پایه

مجموعۀ کاروان‌سرای چهل‌پایه در دهستان کویر از توابع بخش دیهوک شهرستان طبس و در نزدیکی مرز استان خراسان جنوبی با کرمان قرار دارد (تصویر ۱). این مجموعه هم‌چنین در موقعیت ۳۱ درجه و ۵۶ دقیقه و ۲۴ ثانیه طول شمالی و ۵۷ درجه و ۸ دقیقه و ۲۵ ثانیه عرض شرقی قرار گرفته است و ۸۴۵ متر از سطح آب‌های آزاد ارتفاع دارد. چهل‌پایه هم‌چنین در مسیر راه ارتباطی دیهوک به کرمان قرار گرفته و نزدیک‌ترین شهر به آن راور کرمان است. راور در فاصلۀ تقریبی ۸۰ کیلومتری جنوب مجموعه قرار گرفته است. دیهوک نیز به خط مستقیم در فاصلۀ تقریبی ۱۵۰ کیلومتری شمال مجموعه قرار دارد. از فاصلۀ تقریبی ۵۰ متری غرب این مجموعه نیز یک رودخانۀ فصلی در جهت شمالی-جنوبی عبور کرده که احتمالاً در گذشته یکی از منابع تأمین آب آن بوده است. چهل‌پایه دارای چند بنای مختلف با کاربری‌های متفاوت است که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود (تصاویر ۲ و ۳).



تصویر ۱: موقعیت مجموعۀ کاروان‌سرای چهل‌پایه در بخش دیهوک شهرستان طبس با علامت ستاره روی نقشه (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصویر ۲: فضاهای گوناگون مجموعۀ کاروان‌سرای چهل‌پایه در تصویر ماهواره‌ای (منبع: URL1)



تصویر ۳: نمای کلی مجموعه چهل‌پایه و محیط پیرامونی آن (مأخذ: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی)

کاروان‌سرای چهل‌پایه

این کاروان‌سرا در حال حاضر ساختاری تقریباً مربع شکل داشته و ابعاد آن ۳۵×۳۵ متر است. این بنا در جهت شمال-غربی-جنوب‌شرقی یا رون اصفهانی،[1] ساخته‌شده و درگاه ورودی ایوان‌مانند آن در جانب شمال‌غربی بنا قرار گرفته است. کاروان‌سرای چهل‌پایه امروزه از فضاهایی همچون چهار برج دیده‌بانی دایره‌ای در چهار ضلع بنا، ایوان ورودی، حیاط مرکزی، شاه‌نشین، حجره‌های پیرامون حیاط، اُشترخانه و هشتی، تشکیل شده است (تصاویر ٤ تا ١٠). شاه‌نشین به‌واسطهٔ آنکه در طبقهٔ دوم و بالای هشتی ورودی ساخته‌شده، ارتفاع بیشتری نسبت به بقیه قسمت‌ها داشته که به حدود هفت متر می‌رسد. ایوان ورودی شش، برج‌های دیده‌بانی پنج و بقیه قسمت‌ها نیز حدود چهار متر ارتفاع از سطح زمین‌های اطراف دارند. این بنا در حال حاضر شش ایوانچه با طاق جناغی در خارج بنا و در دو طرف درگاه ورودی و ۱۲ حجره یا ایوانچه در داخل بنا و پیرامون حیاط مرکزی دارد که معمولاً کف آن‌ها حدود یک متر بالاتر از سطح زمین‌های اطراف است. علاوه بر حجره و ایوانچه، تعداد شش اتاق بزرگ و کوچک نیز در این بنا شناسایی شد که راه دسترسی دو بنا از طریق حجره‌ها و دو بنا از طریق هشتی میسر بوده، دو اتاق نیز مسیر جداگانه در جانب جنوب‌شرقی بنا دارند. این اتاق‌ها پوشش چهاربخشی داشته و داخل آن‌ها فضای شومینه یا بخاری دیواری تعبیه شده است. در دو ضلع شمال‌شرقی و جنوب‌غربی بنا و در پشت حجره‌ها نیز دو ردیف اصطبل یا اُشترخانه به ابعاد هر یک ٤×۳۲ متر قرار دارد. راه دسترسی به برج‌های دیده‌بانی دو طبقهٔ این کاروان-سرا نیز در داخل همین اصطبل‌ها قرار دارد. در گوشهٔ جنوب-شرقی این بنا نیز یک درگاه ورودی بسیار کوچک و محقر قرار گرفته که مشابه آن در کاروان‌سراهای دیگر مشاهده نشد؛ احتمال دارد در گذشته این ورودی جهت استفاده از دستشویی نزدیک بنا، ایجاد شده باشد. در ساخت این بنا عمدتاً از مصالح آجر با ابعاد ٤×۲۵×۲۵ سانتی‌متر استفاده شده، اما در اِزاره سنگ‌های ورقه‌ای ماسه‌سنگ نیز بکار رفته است. بیشتر بخش‌های بنا فاقد تزئین بوده اما در قسمت-هایی همچون درگاه ورودی و رخبام برج‌های دیده‌بانی تزئینات آجرکاری همچون خفته‌راسته، دندان‌موشی، هره-چین، طاق‌نما یا نغول[2] و پوشش‌های تزئینی (چهاربخشی)[3]، به‌کاررفته است (تصاویر ۱۱- ۱۲).

---

۱. رون اصفهانی یکی از سه رون یا جهات اصلی معماری سنتی ایران است که عموماً در ساخت بناهای مسکونی و تا حدودی سایر ابنیه مانند کاروان‌سراها، به آن توجه می‌شد (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

۲. طاق‌نما نمایش طاق است و کلمه طاق به معنی سقف و قوس به‌کاررفته است. طاق‌نما فرم و شکلی از طرح طاق روی بدنه دیوارهاست که فاقد جنبهٔ سازه‌ای است. طاق‌نما می‌تواند برای جا دادن پنجره یا برجسته نشان دادن آن و یا در بر گرفتن یک مشبک باشد و یا فقط جنبهٔ تزئینی داشته باشد و برای خوش‌نمایی در زیبایی سطح به‌کار رود. طاق‌نما دو نوع است: طاق‌نمایی که بیشتر مربوط به استخوان‌بندی بنا است و طاق‌نمایی که بیشتر برای زیبا کردن سطوح دیوارهای بنا به‌کار می‌رود (زمرشیدی، ۱۳۷۴: ٦۰؛ کیانی، ۱۳۷٦: ۳۳).

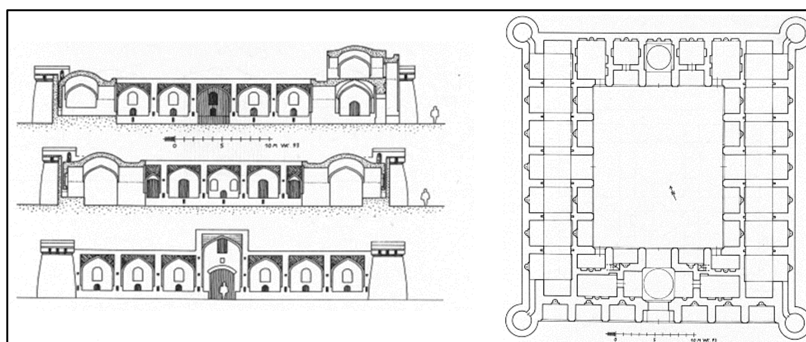
۳. این نوع طاق، مثل طاق ترکین از تقاطع دو طاق گهواره‌ای به وجود می‌آید با این تفاوت که در این طاق به‌جای اینکه چهار ضلع طاق بر روی چهار دیوار یا چهار سطح تکیه کند بر روی چهار نقطه استوار می‌شود. این طاق می‌تواند بروی فضای مربع یا مستطیل شکل ساخته شود. قسمت حمال طاق‌های چهاربخشی از چهار قوس (چهارطاق) و چهار ترک که از داخل طاق دیده می‌شوند، تشکیل

کاروان‌سرای چهل پایه ازلحاظ نوع پلان تا حد زیادی قابل‌مقایسه با کاروان‌سرای صفوی کبوترخان در جادهٔ رفسنجان-کرمان است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۲۹۶). بر همین اساس در کتاب *کاروان‌سراهای ایران* تاریخ ساخت بنای چهل‌پایه نیز دورهٔ صفویه ذکر شده است (همان: ۳۰۵)، اما در برخی از منابع تاریخی توضیحاتی در ارتباط با تاریخ و بانی ساخت این بنا ذکر شده است. به‌عنوان نمونه در *سفرنامهٔ خراسان و کرمان* اشاره به ساخت کاروان‌سرای چهل‌پایه و دو حوض‌انبار در طول دورهٔ قاجاریه و توسط احتشام سلیمان‌خان بهجه‌الدوله[۱] از بزرگان بم برای رفاه بیشتر زوار، شده است (افضل‌الملك، ۱۳۶۲: ۱۷۲). نظر به اینکه در *مکارم‌الآثار* و در ذکر وقایع ۱۲۳۷ق اشاره به قتل ملامحمد کوهبنانی در کاروان‌سرای چهل‌پایه کویر لوت شده، احتمالاً این بنا در زمان حکومت فتحعلی‌شاه قاجار یا قبل از آن ساخته شده است (حبیب‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۰۵۶). هم‌چنین نویسنده *سلجوقیان و غز در کرمان* که در دورهٔ صفوی نگاشته شده است، منازل نایبند تا کرمان را این‌طور بیان می‌کند: «از نای‌بند تا آخر لوت کرمان سی فرسخ فاصله دارد، یعنی تا دربند بیست فرسخ هیچ آبادی ندارد، یک‌فرسخ گردنه و بقیه جلگه است، حوض‌خان از بناهای گنجعلیخان در همین کویر است، بعد حوض چهل‌پایه و سپس دربند، چشمه‌ای آب شیرین دارد [...] چهار فرسنگ بعد رباط چشمه و چاه‌گزو است، بعد کریم‌آباد، سپس راور که مجموعاً ده فرسنگ از دربند فاصله دارد. از راور تا کرمان بیست فرسنگ فاصله است [...][۲]» (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۲۱-۲۰). نویسنده در این کتاب در منزل چهل پایه به رباط یا کاروان‌سرایی اشاره ندارد، بلکه می‌گوید حوض چهل پایه. پس می‌توان گفت در دورهٔ صفوی در اینجا بنای کاروان‌سرای چهل پایه ساخته نشده است؛ به همین دلیل می‌توان این احتمال را داد که کاروان‌سرای مذکور در اوایل دورهٔ قاجاریه و به سبک معماری دورهٔ صفوی یا همان سبک اصفهانی ساخته شده است.

شده است. این ترک‌ها مسائل ایستایی را همراه دارد. بارهای وارده کلاً به‌وسیله مجموعه‌ای از قوس‌های به هم چسبیده که ترک‌ها را می‌سازند به چهار نقطه یا تکیه‌گاه منتقل می‌شود. اجرای طاق از چهارگوشه آن شروع و به رأس آن ختم می‌شود. برای اجرای آن احتیاج به تویزه‌های گچی راهنما می‌باشد. یکی از محسنات این طاق، علاوه بر عملکرد ایستایی آن، قابلیت گسترش آن در طول محورهای هندسی مختلف است (معماریان، ۱۳٦۷: ٦٦).

۱. سلیمان خان بهجت الدوله نیای خانواده‌های عامری و ابو عامری بم و کرمان است که در ۱۳۲۳ق یا ۱۳۲۴ق وفات یافت. از محترمان و متنفذان ایالت کرمان بود که آثار و ابنیه عام‌المنفعه‌ای از او در بسیاری نقاط کرمان برجای‌مانده است (سالار بهزادی، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

۲. کتاب *سلجوقیان و غُزّ در کرمان*، رونوشت‌هایی از کتاب *بدایع الازمان* افضل‌الدین ابوحامد کرمانی است و به رویدادهای کرمان در سال‌های ٦۱۹-٤٦۷ق می‌پردازد. برخی از پژوهش‌گران، این کتاب را اصیل ندانسته و گفته‌اند: دلیلی بر این نیست که نویسندهٔ آن یك‌باره به نوشتن تاریخ سلجوقیان کرمان دست‌زده باشد، اما بر پایه متن این کتاب، گویی وی در نوشتن چنین تاریخچه‌ای تعمد داشته و باانگیزه‌ای نیرومند به این کار پرداخته است؛ زیرا دختر قاورد سلجوقی، به همسری یکی از سادات شهداد (یکی از نیاکان نویسنده) درآمده و از این‌رو، او خواسته است که تاریخ اجدادش را بنویسد. محمد بن ابراهیم در دوران حکومت گنجعلیخان زیك (۱۰۳۵-۱۰۰٤ق) در کرمان می‌زیست و افزون بر این، رویدادهایی در کتابش گنجانده که ابوحامد آن‌ها را در بدایع الازمان نیاورده و هر جا از آن کتاب چیزی نقل کرده، همچون مورخی امین به‌روشنی از نویسنده‌اش نام‌برده و در شرح خصالش قلم‌زده است (برگرفته از مقدمه کتاب تاریخ أفضل).



تصویر ٤: پلان، نما و برش کاروان‌سرای چهل پایه (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۳۰۵)



تصویر ٥: کاروان‌سرای چهل پایه، دید از شمال‌غرب (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصویر ٦: کاروان‌سرای چهل پایه، دید از جنوب‌شرق (نگارندگان، ۱۳۹۹)





تصاویر ۷-۸: حجره‌های دو طرف ایوان ورودی کاروان‌سرا و حیاط مرکزی آن (نگارندگان، ۱۳۹۹)




تصاویر ۹-۱۰: نمایی از شاه‌نشین و فضای داخلی آن (نگارندگان، ۱۳۹۹)




تصاویر ۱۱-۱۲: تزئینات آجرکاری خفته و راسته و دندان‌موشی (نگارندگان، ۱۳۹۹)

سازهٔ گنبدی اقامتگاهی چهل‌پایه

همان‌گونه که در قسمت‌های قبل ذکر شد، چهل‌پایه یک مجموعهٔ بین‌راهی متشکل از یک کاروان‌سرا و چند فضای معماری دیگر است که در اینجا ابتدا به یکی از سازه‌های مدور گنبدی آن پرداخته می‌شود که کاربری متفاوتی با سازه‌های دیگر دارد. در قسمت بیرونی کاروان‌سرا و در کنار برج جنوبی یک فضای گنبدی شکل با مصالح لاشه‌سنگ و اندود گل‌گچ قرار دارد (تصویر ۱۳). ارتفاع این سازهٔ گنبدی حدود ۳/۵ متر و قطر دایره‌ای شکل آن در حدود سه متر است. در مرکز سازه یک نورگیر تعبیه شده و قسمتی از فضای داخل این فضای مدور به دلیل قرارگیری این مجموعه در کویر لوت پر از شن و ماسه شده است، اما تنها بخشی از فضای زیر گنبد با شن پر نشده و تا حدودی قابل‌مشاهده است که به‌صورت کاملاً سیاه و دودزده می‌باشد. در جانب جنوبی آن نیز بقایای دو فضای معماری مدور ویران‌شدهٔ دیگر وجود دارد که با مصالح لاشه‌سنگ ساخته شده‌اند. این دو اثر کاملاً قابل‌مقایسه با سازهٔ فوق هستند اما متأسفانه‌تنها فرم مدور آن‌ها روی سطح مشخص است. در نگاه اول این سازه شبیه حوض‌انبار ساخته شده است. ازجمله دلایل آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختار گنبدی شکل با فضای داخلی کوچک سازه، استفاده از مصالح لاشه‌سنگ، نزدیکی به رودخانهٔ فصلی، قرارگیری در مسیر راه ارتباطی و وجود بقایای دو سازهٔ معماری در جانب جنوبی و هم‌راستا و تقریباً نزدیک به بنا که می‌توانسته درگاه یا پلکان مسقف ورودی به بنا باشد. در نگاه ظاهری و اولیه مشابه این سازه با همان ابعاد، ساختار و مصالح را می‌توان در نمونه‌های تقریباً پابرجا و بین‌راهی مناطق دیگر مانند حوض‌انبار کودکان و عبدالله شیری شهرستان خوسف ملاحظه کرد که از چند قسمت درگاه ورودی، چند پله منتهی به مخزن و سقف گنبدی شکل، تشکیل‌شده‌اند (صدیقیان و نیکزاد، ۱۳۹۳: ۱۲۸، ۹۹)، اما با بررسی‌های میدانی صورت گرفته در مسیر جاده خراسان-کرمان از منزل حوض خان (شمال) به سمت منزل چهل (جنوب) شبیه به این سازه دو مورد دیگر نیز شناسایی شد. اولین سازه به فاصلهٔ تقریبی ۱۶ کیلومتری از حوض خان به سمت منزل چهل‌پایه قرار گرفته است. در این منطقه حوض‌انبار تقریباً سالمی وجود دارد که در پیرامون آن بقایای سه اثر مدور شبیه به سازه‌های چهل‌پایه شناسایی شد. این آثار در امتداد هم ساخته شده و فقط بخشی از

دیواره‌های آن‌ها با ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر باقی مانده است. بعد از این منطقه و طی ۱۶ کیلومتر دیگر به سمت منزل چهل‌پایه سازهٔ مدور دیگری که نسبتاً سالم هست و با همان ویژگی‌ها شناسایی شد (تصویر ۱۴). در ارتباط با نوع کاربری آن‌ها اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما ظاهراً این سازه-های گنبدی بین‌راهی حداقل از قرن چهار هجری به بعد در منطقه شناخته‌شده و در برخی متون تاریخی به آن‌ها اشاره شده بود. به‌عنوان نمونه در *سفرنامه ناصرخسرو* و در حین گزارش مسیر کویر به سمت قهستان به چنین سازه‌هایی اشاره می‌کند. ایشان در این بخش از کتاب خود چنین بیان می‌کند: «[...] و در این راه بیابان به هر دو فرسنگ گنبدک‌ها به سبب آن است تا مردم راه گم نکنند و نیز به گرما و سرما لحظه‌ای در آنجا آسایشی کنند و در راه ریگ روان دیدیم عظیم که هر که از نشان بگردد، از میان آن ریگ بیرون نتواند آمدن و هلاک شود» (قبادیانی، ۱۳۸٤: ۱۳۹). از این تک اتاق‌های گنبدی شکل بین‌راهی در مسیر باستانی خراسان-کرمان، در برخی دیگر از منابع تاریخی دوران اسلامی نیز یاد شده است (برای نمونه ر.ک: مقدسی، ۱۳٦۱/۲: ۷۱۸؛ حامد کرمانی، ۱۳۲٦: ٦-٥؛ اصطخری، ۱۳٤۰: ۱۸٦). با توجه به اشارات این منابع تاریخی، می‌توان چنین بیان کرد که در گذشته و احتمالاً در برخی مناطق کویری و بیابانی، علاوه بر کاروان‌سراهای بین‌راهی، تعدادی اتاق‌های گنبدی‌شکل منفرد یا چندتایی نیز به‌عنوان جان‌پناه و اتراقگاه موقتی افراد ایجاد شده بودند؛ موضوعی که تاکنون کمتر پژوهش‌گران مرتبط به آن پرداخته‌اند. بر همین اساس و با توجه به چند دلیل می‌توان برخی از سازه‌های گنبدی منزل چهل‌پایه و چند منزل پیرامونی آن را به‌عنوان سازه‌های اتراقگاهی موقتی یا نوعی جان‌پناه به‌حساب آورد: داشتن ساختار گنبدی منفرد، استفاده از مصالح لاشه‌سنگ با ملات سیم‌گل در ساخت گنبد و حتی بقایای دیوارهای اصلی آنکه این مصالح و ملات نمی‌توانند مدت‌زمان زیادی آب را در داخل خود حفظ کند، نداشتن شواهد اندود آهکی یا گل‌آهک مرتبط با آب در داخل بنا و وجود شواهد دیوارهای دودزده در بخش‌های قابل‌مشاهده زیر گنبد. با توجه به این دلایل احتمالاً این سازه-های گنبدی کارکرد اقامت موقتی یا حتی لحظه‌ای برای چند نفر را داشته و قاعدتاً در دوره‌ای قبل از ساخت کاروان‌سرای چهل‌پایه وجود داشته‌اند اما متأسفانه تاریخ تقریبی مشخصی نمی‌توان برای ساخت این ابنیه در نظر گرفت. ضرورت وجود این اقامتگاه‌های کوچک موقتی زمانی در این مناطق بیشتر احساس می‌شد که طوفان‌های شن در منطقه پدید می‌آمد. درنتیجه با ورود به این سازه‌ها تا حد زیادی از این طوفان‌ها در امان می‌ماندند.





تصاویر ۱۳ و ۱٤: اتاقک گنبدی چهل پایه در سمت راست و اتاقک گنبدی بین منزل حوض خان تا چهل‌پایه در سمت چپ (نگارندگان، ۱۳۹۹)

حوض‌انبار شماره یک چهل‌پایه

سازهٔ دیگر شناسایی‌شده در مجموعهٔ چهل‌پایه بقایای نسبتاً سالم و کامل یک حوض‌انبار است. این بنا در جانب شمال-شرقی کاروان‌سرا و با ابعاد ۸×۲۰ متر و در راستای شمال-غربی-جنوب‌شرقی ساخته شده و شامل فضاهای مختلف معماری ازجمله سردر، پلکان، پاشیر، مخزن، سقف گنبدی و بادگیر است (تصاویر ۱۵ تا ۱۷). درگاه ورودی در جانب شمال‌غربی بنا قرار گرفته و ساختار تقریباً چهارطاقی دارد. این درگاه چهارطاقی مانند یک‌طرفش با آجر بسته‌شده و روی سقف گنبدی آن یک سازهٔ تقریباً بادگیر مانندِ شش طرفه ایجاد شده است. از این درگاهی یک‌رشته پلکان با طاق جناغی به سمت پایین کشیده شده که منتهی به پاشیر می-شود و متأسفانه بخش‌های زیادی از آن با رسوبات رودخانه-ای پر شده است. مخزن بنا نیز ساختار تقریباً گنبدی شکل

نوع شاخ‌بزی کند، به ارتفاع پنج و قطر چهار متر دارد. در ساخت این بنا از مصالح لاشه‌سنگ در پی و بخشی از دیوار-ها و از آجرهایی با ابعاد ۲۵×۲۵×۴ سانتی‌متر در ساخت بقیهٔ قسمت‌های بنا و گنبدخانه استفاده شده است. با توجه به نوع ساختار بنا و به‌کارگیری آجرهای مشابه با کاروان-سرا این احتمال داده می‌شود که آب‌انبار تقریباً هم‌زمان با کاروان‌سرا و در طول دورهٔ قاجاریه ساخته شده است. این موضوع با اشارات منابع تاریخی اوایل دورهٔ قاجاریه کاملاً قابل انطباق است که بیان کرده‌اند همزمان با کاروان‌سرا حوض‌انبار نیز ساخته شده است (افضل‌الملك، ۱۳۶۲: ۱۷۲). این حوض‌انبار برخلاف بسیاری از نمونه‌های مشابه دیگر در منطقه، علاوه بر داشتن سازهٔ منحصربه‌فرد بادگیر مانند، تزئینات مختصری نیز به شیوهٔ آجرکاری فخر و مَدین[1] دارد.



تصویر ۱۵: آب‌انبار چهل‌پایه، دید از جنوب (نگارندگان، ۱۳۹۹)



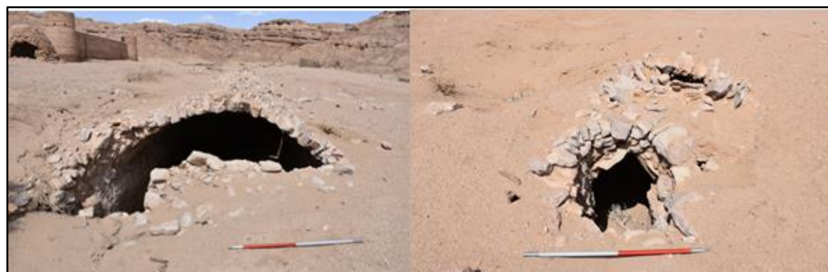


تصاویر ۱۷-۱۶: مسیر پلکان منتهی به پاشیر و نمایی از درگاه ورودی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۹)

حوض‌انبار شماره دو و سه چهل‌پایه

در فاصلهٔ تقریباً ۴۰ متری جنوب کاروان‌سرا، بقایای نیمه ویران دو حوض‌انبار دیگر مجاور هم با ابعاد ۵×۳۰ و ۳× ۵ متر وجود دارد (تصویر ۱۸). این دو بنا در جهت شمال‌غربی-جنوب‌شرقی ساخته شده و درگاه ورودی آن‌ها در جانب شمال‌غربی قرار دارد. بعد از درگاه ورودی، بقایای چند پله دیده می‌شود که مستقیم به داخل مخزن راه دارند. مخزن این حوض‌انبارها مستطیلی شکل و در ساخت دیوار و پوشش بنا از سنگ، ملات آهک و گچ و ساروج استفاده شده است. دیواره و کف حوض‌انبار با اندود ساروج پوشانده شده و پوشش فضاها به‌صورت گنبدی و با سنگ اجرا شده است. در ارتباط با تاریخ ساخت این دو بنا شواهدی موجود نیست اما با توجه به شناسایی حوض‌انبارهای مشابه با مخزن مستطیل‌شکل در مناطق دیگر که عموماً مربوط به دورهٔ صفوی تا قاجاریه هستند مانند حوض‌انبار گزیک شهرستان درمیان (صدیقیان، ۱۳۹۴: ۱۸۹)، احتمالاً این دو سازه نیز در همین بازهٔ زمانی ساخته شده‌اند.

۱. فخر یا فغفور (فَ غ ف وُ ر) نوعی دست‌ساخته لعابدار چینی است و مدین یعنی سوراخ و گودال و مجوّف (مُ جَ وَّ ف). فخر و مدین یکی از انواع آجرچینی است که سطحی مشبك ایجاد می‌کند که علاوه بر عبور نور و تهویه باعث ایجاد سایه‌هایی منحصربه‌فرد در فضای داخلی می‌شود (مؤمنی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۶).



تصویر ۱۸: ورودی و پوشش مخزن حوض‌انبار شماره دو و سه چهل‌پایه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

پایاب چهل‌پایه

یکی دیگر از فضاهای معماری مجموعهٔ چهل‌پایه، پایاب است که در فاصلهٔ ۵۰ متری جنوب کاروان‌سرا قرار گرفته است. ابعاد تقریبی این پایاب ۳×۳۵ متر و در راستای شمال‌غربی – جنوب‌شرقی است (تصاویر ۱۹ تا ۲۱). پایاب یا ته‌آب در اصل فضای زیرزمینی در برخی مناطق کویری مانند شهرستان خور و بیابانک بوده که با ایجاد یک پلکان با شیب بیش از ۳۰ درجه به مسیر قنات می‌رسید (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۲۷). تقریباً تمامی پایاب‌های شناخته‌شدهٔ ایران در مسیر یک‌رشته قنات در داخل شهرها یا روستاها یا برخی مسیرهای ارتباطی ساخته شده‌اند، اما پایاب چهل پایه تا حدودی متفاوت با نمونه‌های شاخص دیگر ایران است. این سازه از یک درگاه ورودی تشکیل شده که با عبور از ۴۰ پله به داخل عمق زمین منتهی به فضایی می‌شود که آب زیرزمینی در آن به‌دست‌آمده است؛ آبی که به استناد منابع تاریخی از قنات یا آب‌انبار تأمین نمی‌شود بلکه به دلیل عمق زیاد پایاب از دل زمین استخراج می‌شده است (افضل‌الملك، ۱۳۶۲: ۱۷۲). درگاه ورودی بنا در جانب شمال‌غربی قرار داشته و با مصالح لاشه‌سنگ و به‌صورت خشکه‌چین ساخته شده است. همان‌گونه که بیان شد برای دسترسی به آب باید از یک دالان ۴۰ پله‌ای با شیب نسبتاً زیاد عبور کرد که در صورت نداشتن نورگیر، فضایی تاریک با اکسیژن‌رسانی اندک درست می‌شد. به همین دلیل در زمان ساخت بنا دو حلقه چاه با فاصلهٔ ۱۲ و ۲۴ متر از قسمت درگاه ورودی و درست در بالای فضای دالان، حفاری کرده‌اند تا به‌عنوان نورگیر آن استفاده شود. این نورگیرها قطر ۱/۵ و ۲ متر داشته و فضای بیرونی آن‌ها دور سنگ‌چین شده است.

در ارتباط با تاریخ ساخت بنا اطلاعات چندانی در دست نیست اما به دلیل ساخت چند حوض‌انبار در دورهٔ قاجاریه می‌توان احتمال داد که این بنا شاید قبل از این دوره و حتی در طول دورهٔ صفویه ساخته شده باشد. این موضوع به نحوی در کتاب سفرنامهٔ خراسان و کرمان نیز ذکر شده و در همان دورهٔ قاجاریه اشاره به قدمت زیاد پایاب چهل پایه شده است. در بخشی از کتاب چنین آمده است: «سحر به منزل چهل پایه رسیدیم [...] این‌که این منزل را چهل پایه گویند، محض آن است که از اینجا قنات جاری نمی‌شده است؛ لهذا در قدیم زمین را کنده‌اند و چهل پایه پائین برده‌اند. در پله چهلم فضای کوچکی درست کرده آب جوشیده در آنجا جمع شده کاروانیان به مصرف خود می‌رسانیدند. ازآنجا آب برداشتن بسی صعوبت و خطر داشت. من از آن پله‌ها پائین رفته و در پائین که آب جمع شده بود بسی وحشت داشت و تاریك بود [...]» (افضل‌الملك، ۱۳۶۲: ۱۷۲). با استناد به این توضیحات ضمن آنکه کاربری بنا و نحوه دسترسی به آب در آن مشخص‌شده، می‌توان پی برد که سازه قدمتی بیش از دورهٔ قاجاریه داشته است. همین موضوع با توضیحات دیگری توسط سِر پرسی سایکس سیاح انگلیسی نیز بیان شده است. وی چنین بیان می‌دارد که وجود پلکان‌های بسیار این سازه و دسترسی به آب در داخل آن باعث شده که مخفیگاه مناسبی نیز برای اشرار منطقه باشد (سایکس، ۱۳۳۶: ۴۸-۴۷). با توجه به این توضیحات و شاید به دلیل همان شرایط سخت دسترسی به آب در این پایاب بود که در دورهٔ قاجاریه چند حوض‌انبار در پیرامون کاروان‌سرا ساخته شده و استفاده از پایاب کم‌کم به فراموشی رفته است.




تصاویر ۲۰-۱۹: ورودی پایاب چهل‌پایه و یکی از نورگیرهای آن (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصویر ۲۱: موقعیت پایاب، حوض‌انبار ۳ و سازهٔ احتمالی دستشویی مجموعهٔ چهل‌پایه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

سرویس بهداشتی

در جنوب‌شرقی کاروان‌سرا و به فاصلهٔ ۳۰ متری از آن سه فضای معماری قرار دارد که یک فضای آن تقریباً تخریب شده است، اما دو فضای دیگر ابعاد ۲×۲ و ۲×۳ و ارتفاع ۱/۵ متر دارند که با مصالح سنگ و ملات گل و بدون پوشش سقف ساخته شده‌اند که مشابه آن‌ها در مناطق دیگر شناسایی نگردید. با توجه به چند دلیل که در مطالعهٔ این ابنیه ملاحظه شد چنین احتمال داده می‌شود که در گذشته به‌عنوان سرویس بهداشتی مجموعه کاربرد داشته‌اند: وجود سه سازه کوچک مجاور هم با سه درگاه ورودی جداگانه، داشتن مجرای خروجی آب در زیر گوشهٔ دیوار هر سه بنا، وجود درب کوچکی در جانب جنوب‌شرقی کاروان‌سرا که رو به این سازه‌ها باز می‌شود و نیز مصاحبه شفاهی با شخصی ۱۱۵ ساله بنام حسینقلی تاج‌الدینی که در گذشته از این مجموعه عبور کرده و اشاره به کاربری این ابنیه کرده است. با توجه به شواهد مذکور احتمالاً این فضاها در گذشته به‌عنوان سرویس بهداشتی کاروان‌سرای چهل‌پایه ساخته شده بودند.



تصویر ۲۲: سرویس بهداشتی مجموعهٔ چهل‌پایه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

کوره آجرپزی چهل‌پایه

این کوره به فاصلهٔ ۱۲ متری ضلع شمال‌شرقی کاروان‌سرا قرار گرفته است (تصویر ۲۳). معماری کوره نشان می‌دهد که بنا به‌صورت مدور بوده و قطر ۴۲۰، عمق ۱۷۰ و ضخامت دیواره ۸۰ سانتی‌متر دارد. این کوره از نوع کوره‌های تنوره‌ای بوده است که معمولاً با چوب کوره را روشن و حرارت را ایجاد می‌کردند. با توجه به اینکه این کوره از نوع کوره تنوری می‌باشد، به‌احتمال دارای پوشش گنبدی بوده و دود حاصل از آتش داخل تنوره از دودکشی در سقف به بیرون هدایت می‌شده است. علاوه بر دودکش سقف کوره، در داخل کوره و روی بدنه دیوار نیز دودکش‌هایی برای انتقال دود ساخته شده

است. ارتفاع این کوره نسبت به محیط اطراف نیم متر می‌باشد. با توجه به شواهد موجود و شناسایی تعدادی آجر تقریباً حرارت دیده یا گدازه شده در داخل بنا، احتمالاً آجرهایی با ابعاد ۴×۲۵×۲۵ سانتی‌متر در این کوره تولید می‌شد. علاوه بر داخل بنا، در پیرامون کوره نیز جوش کوره و آجرهای گدازه و دفرمه با حجم زیاد مشهود است که خود دلالت متقنی بر کاربری اصلی سازه دارد. با توجه به شواهد موجود احتمالاً از آجرهای تولیدی این کوره در ساخت کاروان‌سرا و برخی بناهای دیگر مجموعه استفاده می‌شد، زیرا مشابه آجرهای تولیدی این کوره و با همین ابعاد در بنای کاروان‌سرا و بناهای دیگر مانند حوض‌انبار شماره یک به‌کاررفته است.

در ضلع غربی کوره و به فاصلهٔ ۵۰ متری آن، اطاقی با ابعاد ۳×۶ و ارتفاع یک متر قرار دارد. عرض دیوارهای این سازه ۹۰ سانتی‌متر بوده و ورودی آن در ضلع غربی قرار دارد. نظر به اینکه این سازه احتمالاً ناتمام باقی مانده یا بیشتر آن کاملاً تخریب‌شده نمی‌توان در مورد کاربری و قدمت آن سخن گفت.



تصویر ۲۳: کوره آجرپزی چهل‌پایه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

برج دیده‌بانی چهل‌پایه

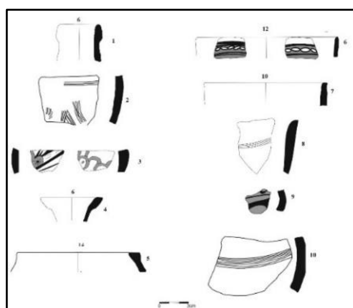
برج چهل‌پایه به فاصلهٔ ۱۳۵ متری شرق کاروان‌سرا و روی یک بلندی و لبهٔ پرتگاه قرار دارد که جهت دیده‌بانی از قافله‌ها و کاروانیان در نزدیکی کاروان‌سرا ساخته شده است (تصویر ۲۴). برج چهل‌پایه به‌صورت مخروطی بوده و قطر آن در پایین سازه چهار متر است اما هر چه ارتفاع بنا بیشتر می‌شود از قطر آن نیز کاسته می‌شود. این بنا حدود شش متر ارتفاع دارد و ورودی اصلی آن نیز در ضلع شرقی قرار گرفته که ۱۱۰ سانتی‌متر ارتفاع آن است. ضخامت دیوارهٔ این برج یک متر می‌باشد و هر چه بر ارتفاع برج افزوده می‌شود، از ضخامت دیواره آن کاسته می‌شود. این برج در دو طبقه ساخته شده که طبقه اول جهت استراحت نگهبان بوده است و ورودی طبقه دوم از داخل طبقه اول انجام می‌شد. احتمالاً طبقه دوم جهت دیده‌بانی استفاده می‌شد، زیرا دورتادور آن روزنه‌هایی برای این منظور وجود داشت. در ضلع شمالی آن نیز پنجره‌ای با ابعاد ۸۰×۵۰ سانتی‌متر ایجاد شده که یک درب سنگی روی پاشنهٔ سنگی، دارد. علاوه بر این، دو طاقچه و یک بخاری دیواری نیز درون دیوار کار شده است. در ساخت دیوار طبقه اول و دوم برج از سنگ به همراه ملات گچ و خاک استفاده شده و نمای بیرونی بنا بین درزهای سنگ نیز با این ملات پر شده است و در پوشش بین دو طبقه از آجرهایی با ابعاد ۵×۲۵×۲۵ سانتی‌متر همراه با ملات خاک و گچ استفاده شده است. پوشش سقف دو طبقه به‌صورت عرقچین می‌باشد و در مرکز دو پوشش، نورگیری قرار دارد. در ضلع غربی طبقه دوم نیز پلکانی قرار دارد که به پشت‌بام منتهی می‌شود. فضای پشت‌بام هم دیواری آجری به ارتفاع ۱۸۰ سانتی‌متر جهت نگهبانی دارد و سنگ‌اندازهایی داخل دیوار ایجاد شده که در صورت حمله از داخل این سنگ‌اندازها سنگ را بالای سر مهاجمان بیندازند (تصویر ۲۵). علاوه بر این روزنه‌هایی جهت دیده‌بانی روی بدنهٔ دیوار قرار دارد. با توجه به شواهد موجود و به دلیل آنکه آجرهای بنا ازلحاظ ابعاد کاملاً مشابه با کاروان‌سرا هستند، احتمالاً این بنا نیز هم‌زمان با کاروان‌سرا و در طول دورهٔ قاجاریه ساخته شده است. ازجمله نمونه‌های مشابه این برج که در نزدیکی کاروان‌سراهای دیگر ساخته شده، می‌توان به برج دیده‌بانی کاروان‌سرای نوگنبد در مسیر ارتباطی نائین به یزد، اشاره کرد که در دورهٔ قاجاریه ساخته شده است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۱۹۰؛ اسمعیلی‌جلودار و صفی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲).




تصاویر ۲۴ و ۲۵: نمایی از برج دیده‌بانی مجموعۀ چهل‌پایه و بخشی از فضای داخلی آن (نگارندگان، ۱۳۹۹)

آثار منقول به‌دست‌آمده در مجموعۀ چهل‌پایه

در بررسی میدانی مجموعۀ چهل‌پایه علاوه بر مطالعۀ آثار معماری آن، به یافته‌های پراکندۀ سطحی نیز توجه شد و این یافته‌ها نیز جهت مطالعۀ مقایسه‌ای و تاریخ‌گذاری تقریبی احتمالی بررسی شدند. در این بررسی تعداد ۱۰ قطعه سفال جمع‌آوری گردید (تصویر ۲۶). از این تعداد چهار قطعه مربوط به لبه و شش قطعه مربوط به بدنه می‌باشد. متأسفانه بیشتر این سفال‌ها سادۀ بدون نقش یا با تزئینات اندک و غیر شاخص بوده که تاریخ‌گذاری تقریبی آن‌ها مشکل است، اما چند قطعه تزئین نقاشی زیر لعاب آبی و سفید و لعاب‌دار تک‌رنگ سبز با خمیرۀ رسی دارند که احتمالاً مربوط به دوران اسلامی و به‌ویژه دورۀ صفویه تا قاجار باشند (جهت مقایسه سفال آبی و سفید چهل‌پایه ر.ک: Watson, 2004: 268).

تصویر ۲۶: عکس و طرح تعدادی از سفال‌های شناسایی‌شده در مجموعۀ چهل‌پایه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

کاروان‌سرای چهل‌پایه منزلگاهی در مسیر ارتباطی خراسان-کرمان

پیدایش راه در ایران و تأسیسات مربوط به آن سرگذشتی بسیار کهن دارد. راه‌ها و معابر کنونی ایران که خاور را به باختر و شمال را به جنوب و کشور را به سرزمین‌های بیرون از مرز آن پیوند می‌دهد کم و بیش با جزئی تغییر که علم و صنعت جدید در این اواخر در آن به وجود آورده، همان مسیرهای باستانی است (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰: ۱۰). گسترش ادیان، فرهنگ‌ها و تفکرات سیاسی و اقتصادی در دوران باستان از طریق این راه‌ها صورت می‌گرفت. عواملی چون برخورداری از ذخیرۀ آب و مواد غذایی، وجود شهرها و آبادی‌های فراوان و ده‌ها کاروان‌سرا یا سازه‌های بین‌راهی دیگر در مسیر این راه‌ها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه و استمرار استفاده از آن‌ها در طول تاریخ داشته‌اند (ترک‌لادانی و کجباف، ۱۳۸۹: ۳۵). یکی از مهم‌ترین این راه‌ها، جادۀ معروف به ابریشم یا همان خراسان بزرگ بود که در اصل شاهراه ارتباطی شرق و غرب جهان آن دوران به‌حساب می‌آمد. راه ابریشم متشکل از یک شاهراه اصلی و چندین راه فرعی دیگر بوده است. یکی از مسیرهای فرعی این جادۀ ارتباطی در قسمت جنوب خراسان و در مسیر هرات-سیستان و بجستان-یزد و کرمان بود (میراحمدی، ۱۳۶۸: ۱۰۱-۱۰۰). این مسیر که در حدفاصل خراسان تا سیستان و کرمان و در یک منطقۀ کویری و بیابانی قرار داشته، به‌کرات در منابع تاریخی دوران اسلامی یاد شده است (عرفان‌منش، ۱۳۷۶: ۱۰۰). به‌عنوان نمونه ابن‌حوقل جغرافی‌دان قرن چهارم هجری در بخشی از کتاب خود چنین بیان می‌دارد که اگر مسافران به راه‌ها، منازل و کاروان‌سراهای مسیر کرمان تا خراسان آشنا نباشند، هرگز نمی‌توانند از بیابان‌های این مسیر عبور کنند (ابن‌حوقل،

۱۳۶۶: ۱۴۱). در ارتباط با این مسیر بیابانی بسیار طولانی مقدسی جغرافی‌دان قرن چهارم هجری نیز توضیحات مفصلی ارائه کرده است. وی چنین بیان می‌دارد که در طول این مسیر هیچ روستا یا شهر یا رود دائمی وجود ندارد اما آب‌انبار و گنبدهای بسیار در طول آن ایجاد شده است (مقدسی، ۱۳۶۱/ ۲: ۷۱۸- ۷۱۶) که همین موضوع توسط برخی مورخان دیگر نیز بیان شده است (حامدکرمانی، ۱۳۲۶: ٦-٥؛ قبادیانی، ۱۳۸٤: ۱۳۹؛ اصطخری، ۱۳٤۰: ۱۸٦). اشارات فراوان منابع تاریخی به این مسیر و سازه‌های معماری گوناگون بین‌راهی آن حکایت از اهمیت بسیار آن در برهه‌ای از تاریخ دارد. مسیری که حتی بعد از شهادت امام رضا(ع) در مشهد و افزایش تدریجی شیعیان اثناعشری، اهمیتی مذهبی نیز پیدا می‌کند (گابریل، ۱۳۷۱: ۲۷۱). این موضوع از دورهٔ صفویه به بعد و با رسمی شدن مذهب تشیع در کشور از اهمیت بیشتری برخوردار شده و به‌واسطهٔ آن آثار بین‌راهی متعددی در طول این مسیر ایجاد می‌شود (ترکمان، ۱۳۸۲: ٦۱۱)؛ هرچند در قبل از این دوران هم کاروان‌سرا و رباطهایی در طول این مسیر ساخته شده، اما با توجه به شواهد باستان‌شناسی موجود و اطلاعات منابع تاریخی بیشتر کاروان‌سراها، رباطها و حوض‌انبارهای این مسیر در دورهٔ صفوی و قاجار ساخته شده است. یکی از این ابنیه، مجموعه کاروان‌سرای چهل‌پایه است که به استناد مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای بیشتر ابنیهٔ آن در طول دورهٔ قاجاریه یا اندکی قبل از آن ساخته شده‌اند. کاروان‌سرای چهل پایه امروزه در بین منازل کاروانسرای حوض خان در شمال و کاروان‌سرای دربند[1] در جنوب، قرار دارد.

مسیری که کاروان‌سرای چهل‌پایه در آن قرار دارد از شهرهای مرکزی و جنوبی ایران ازجمله کرمان و بندرعباس به سمت خراسان به‌ویژه نیشابور و مشهد منتهی شده و در اینجا به راه خراسان بزرگ یا راه ابریشم متصل می‌شود. در طول این مسیر کاروان‌سرا، حوض‌انبار و تک اتاق‌های گنبدی متعددی در گذشته ایجاد شده که بقایای معماری برخی از آن‌ها در حال حاضر همچنان پابرجا باقی مانده است. منازل مشهد تا کرمان در برخی منابع تاریخی دورهٔ صفویه تا اواخر قاجاریه و به‌ویژه *سفرنامه خراسان و کرمان* به‌طور دقیق بیان‌شده که با داده‌های میدانی باستان‌شناسی نیز مطابقت دارد. در بخشی از این کتاب که در دورهٔ قاجاریه نوشته‌شده و در ذکر منازل بین نای‌بند خراسان تا دربند کرمان، اشاره به منازل نای‌بند، حوض خان، چهل‌پایه و سپس دربند شده که هر یک بین ٥ تا ٦ فرسخ از یکدیگر فاصله دارند. نکتهٔ قابل‌توجه در توصیف این راه ارتباطی اشاره به آثار بین‌راهی دیگر این مسیر است که اهمیت زیادی دارند. این آثار شامل: آب‌انبار، تک‌بناهای کوچک گنبدی و میل راهنمای سنگی در مسیر حوض خان تا چهل‌پایه و چند میل راهنمای سنگی دیگر به فاصلهٔ یک‌فرسخ از یکدیگر در مسیر چهل‌پایه تا دربند، است (افضل‌الملک، ۱۳٦۲: ۱۷۲-۱٦۷). دلیل ساخت میل‌های راهنما به‌ویژه در مسیر چهل‌پایه تا دربند هموار بودن سطح دشت و عدم برجستگی و دید ناکافی بود. بر همین اساس این سازه‌ها ساخته شد تا کاروانیان با کمک آن‌ها بتواند مسیر بین دو کاروان‌سرا را شناسایی کرده و از مسیر اصلی منحرف نشوند (تصویر ۲۷). این مسیر ارتباطی در سراسر دورهٔ قاجاریه و حتی اندکی پس از آن نیز همچنان به‌عنوان یکی از مسیرهای اصلی شناخته شده بوده به‌نحوی‌که حتی سیاحان خارجی اواخر این دوره نیز از آن عبور کرده‌اند. مثلاً سِر پرسی سایکس سیاح انگلیسی در توصیح این راه ضمن اشاره به منازل آن مانند نای‌بند، حوض خان و چهل‌پایه به برخی بناهای بین‌راهی همچون آب‌انبارهای دایر یا متروک، پایاب و میل‌های راهنما، نیز پرداخته شده است (سایکس، ۱۳۳٦: ٤۸-٤۳). از نکات جالب‌توجه دیگری که در طول این مسیر و در طی بررسی‌های میدانی شناسایی شد، تعدادی از قبرهای سادهٔ تک و بدون استقرار پیرامونی در آن است. احتمال داده می‌شود این قبور متعلق به افرادی بوده که در طول مسیر فوت کرده و توسط سایر کاروانیان در همان‌جا دفن شده‌اند. با توجه به شواهد موجود این قبور روبه‌قبله بوده و دو سنگ برافراشته در بالای و پایین آن‌ها مشخص است (تصویر ۲۸).

۱. کاروان‌سرای دربند امروزه در تقسیمات سیاسی جزء استان کرمان است.



تصاویر ۲۸-۲۷: سنگ‌های برافراشته و میل راهنما در حاشیهٔ جاده قدیمی خراسان – کرمان در سمت راست و یکی از قبور باقی مانده در کنار جاده قدیمی خراسان-کرمان در سمت چپ (نگارندگان، ۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری

در گذشته یکی از ضروریات جدایی‌ناپذیر راه‌های بین‌شهری، وجود سازه‌های خدماتی همچون کاروان‌سرا بوده است. در مناطق کویری و نیمه‌بیابانی علاوه بر کاروان‌سرا، وجود سازه-های دیگری همچون آب‌انبار نیز بسیار اهمیت داشت. یکی از این مسیرهای ارتباطی مهم در گذشته جادهٔ خراسان-کرمان بود که بیشتر آن در منطقه‌ای کویری و نیمه‌بیابانی قرار داشت. این جادهٔ ارتباطی نه‌تنها از بعد سیاسی و اقتصادی اهمیت داشت، بلکه به استناد منابع تاریخی از جنبهٔ مذهبی نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. به همین دلیل، از دورهٔ صفویه به بعد و با رسمیت مذهب تشیع، توجه بیشتری به این مسیر شده و تعداد زیادی بناهای بین‌راهی در آن ایجاد شد. در حال حاضر بخشی از جادهٔ خراسان-کرمان در حدفاصل دو شهرستان دیهوک خراسان جنوبی و راور کرمان قرار گرفته است. یکی از مجموعه بناهای بین‌راهی این مسیر که در منابع تاریخی گوناگون نیز به آن اشاره‌شده چهل‌پایه است. در این مجموعه سازه‌های معماری گوناگون با کاربری-های متفاوت وجود دارد که احتمالاً در دو یا چند دورهٔ زمانی ساخته شده‌اند. با توجه به مطالعات میدانی صورت گرفته و نیز استناد به منابع تاریخی، چهل‌پایه در گذشته و قبل از دورهٔ قاجاریه احتمالاً دارای یک پایاب و چند اتاقک کوچک گنبدی بوده است. اینکه این ابنیه دقیقاً در چه دوره‌ای ساخته شده‌اند متأسفانه با مطالعهٔ شواهد معماری آن‌ها که بسیار ساده‌اند و مطالعات مقایسه‌ای صورت گرفته، اطلاعاتی به‌دست نیامد، اما با استناد به منابع تاریخی می-توان حداقل تاریخی بین قرن چهارم تا یازدهم هجری را برای آن‌ها در نظر گرفت. کاربری شناسایی‌شدهٔ این ابنیه که در مطالعات میدانی و استناد به منابع تاریخی شناسایی شد شامل اتراقگاه موقتی برای اتاقک‌های گنبدی و مکان دسترسی و برداشت آب زیرزمینی برای پایاب بوده است. این دو نوع بنای بین‌راهی چهل‌پایه از یک جنبه در مطالعات باستان‌شناسی اهمیت زیادی دارند، زیرا تاکنون کمتر بنای مشابهی در سایر مناطق و در مسیرهای بین‌راهی شناسایی و معرفی‌شده که سیما و کاربری مشابه این ابنیه را داشته باشند. مشابه این ابنیه در بررسی میدانی مسیر حوض خان به چهل‌پایه نیز شناسایی شد که احتمالاً در گذشته همین کاربری را داشته‌اند.

گروه دیگر بناهای مجموعه چهل‌پایه شامل سه حوض‌انبار می‌شود. با توجه به وجود سه حوض‌انبار سالم و نیمه‌سالم در این مجموعه و نیز استناد به منابع تاریخی می‌توان این احتمال را داد که حداقل یک یا دو حوض‌انبار قبل از دورهٔ قاجاریه ساخته شده باشد، زیرا با استناد بر منابع تاریخی استفاده از پایاب به دلیل عمق زیاد و تاریک آن، برای کاروانیان بسیار سخت بوده است. به همین دلیل و قبل از ساخت کاروان‌سرا و بناهای دیگر این مجموعه، در مرحلهٔ دوم احتمالاً یک یا دو حوض‌انبار در آن ساخته شده بود. اینکه تاریخ دقیق ساخت این ابنیه چه زمانی بوده چندان مشخص نیست، اما می‌توان احتمال داد که شاید در طول دورهٔ صفویه یا قبل از دورهٔ قاجار این سازه‌ها ساخته شده باشند، زیرا مشابه این ابنیه با همین بازهٔ زمانی در مناطق دیگر همچون شهرستان خوسف و در میان استان خراسان جنوبی شناسایی

شده است. در مرحلهٔ سوم و در طول دورهٔ قاجاریه به چهل‌پایه توجه بیشتری شده و چندین بنای گوناگون با کاربری‌های متفاوت برای آن ساخته شد. موضوعی که هم با مطالعات مقایسه‌ای ابنیه می‌توان آن را ملاحظه کرد و هم در منابع تاریخی به آن اشاره شده است. در طول این دوره یک کاروانسرای بزرگ با چهار برج دیده‌بانی مشابه کاروان‌سرای کبوترخان، احتمالاً یک یا دو حوض‌انبار، یک برج دیده‌بانی در بالای کوه نزدیک بنا مشابه برج نوگنبد، یک کوره تولید آجر و چند سرویس بهداشتی، در این مجموعه ساخته شد. این اقدامات معماری گسترده و ساخت سازه‌هایی با کاربری‌های گوناگون نشان می‌دهد که این راه تجاری در طول دورهٔ قاجاریه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در بررسی‌های میدانی این مجموعه علاوه بر شواهد معماری، تعدادی یافته‌های منقول همچون قطعات سفال و شیشه نیز شناسایی شد که متأسفانه بیشتر آن‌ها چندان شاخص و قابل تاریخ‌گذاری مقایسه‌ای نبودند، اما این احتمال داده می‌شود که حداقل برخی از آن‌ها مربوط به قرون یازدهم تا سیزدهم هجری باشند.

با توجه به توضیحات ارائه شده و استناد به مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای، روند ساخت آثار معماری گوناگون در مجموعهٔ بین‌راهی چهل‌پایه احتمالاً از قرن چهارم و پنجم هجری آغاز شده و تا دورهٔ قاجاریه ادامه یافته است. بر همین اساس احتمالاً ابتدا اتراقگاه‌های کوچک گنبدی و پایاب در آن ساخته شده و سپس با توجه به نیاز کاروانیان در دوره‌ای بین حکومت صفویه تا قاجار یک یا دو حوض‌انبار در آن ایجاد شده است. در مرحله سوم و با توجه به اهمیت بیشتر این مسیر در طول دورهٔ قاجاریه بزرگ‌ترین بنای این مجموعه که همان کاروان‌سرا باشد و تعدادی ابنیه دیگر با کاربری‌های متفاوت همچون حوض‌انبار، در آن ساخته شد. متأسفانه در حال حاضر این مجموعهٔ بین‌راهی ارزشمند مورد بی‌مهری قرار گرفته و روند تخریب آثار معماری متنوع آن بیش از پیش شده است.

فهرست منابع

۱. ابن‌حوقل، ابی‌القاسم. (۱۳۶۶). ***سفرنامه ابن‌حوقل- ایران صوره الارض***. ترجمه جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.

۲. اسمعیلی جلودار، محمد اسماعیل؛ و جواد صفی‌نژاد. (۱۳۸۸). «پیشنهادی در چگونگی طراحی شبکه تأمین آب در کاروان‌سرای کویری نوگنبد بر پایهٔ نتایج به‌دست‌آمده از بررسی باستان‌شناختی منطقهٔ نوگنبد-اردکان در نائین». ***مطالعات باستان‌شناسی***. (شماره ۱)، ۲۰-۱.

۳. اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۴۰). ***المسالک و الممالک***. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۴. افضل‌الدین کرمانی، احمد بن حامد. (۱۳۲۶). ***تاریخ أفضل***. تصحیح مهدی بیانی. تهران: دانشگاه تهران.

۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۷). ***تاریخ منتظم ناصری***. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. ج۳. تهران: دنیای کتاب.

۶. افضل‌الملک، غلامحسین. (۱۳۶۲). **سفرنامه خراسان و کرمان**. به‌کوشش قدرت‌الله روشنی. تهران: طوس.

۷. پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۰). ***آشنایی با معماری اسلامی ایران***. تهران: دانشگاه علم و صنعت.

۸. پیرنیا، محمدکریم؛ و کرامت‌الله افسر. (۱۳۷۰). ***راه و رباط***. تهران: آرمین.

۹. ترکمان. اسکندر بیگ. (۱۳۸۲). ***تاریخ عالم‌آرای عباسی***. ج۲. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

۱۰. ترک‌لادانی، صفورا؛ و علی‌اکبر کجباف. (۱۳۸۹). «کاروان و سیر کاروان‌های تجاری در ایران عهد صفوی». ***پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام***. (شماره ٦). ۵۲-۳۳.

۱۱. جیهاني، ابوالقاسم بن احمد. (۱۳٦۸). ***اشكال العالم***. ترجمه عبدالسلام کاتب. مشهد: آستان قدس رضوي.

۱۲. حامد کرماني، افضل‌الدین ابوحامد احمد. (۱۳۲۶). ***تاریخ افضل یا بدایع الازمان في وقایع کرمان***. تصحیح مهدی بیاتی. تهران: دانشگاه تهران.

۱۳. حامی، احمد. (۱۳۵۸). ***راه‌های ایران در گذشته و آینده***. تهران: مجلس.

۱۴. حبیب‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۱). ***مکارم‌الآثار در احوال رجال دوره قاجار***. ج٤. اصفهان: اداره کل فرهنگ و هنر استان اصفهان.

۱۵. زمرشیدی، حسین. (۱۳۷۴). ***مسجد در معماری ایران***. تهران: کیهان.

١٦. سالار بهزادی، عبدالرضا. (١٣٨۴). ***بلوچستان در سال‌های ١٣٠٧ تا ١٣١٧ قمری***. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

١٧. سامی، علی. (١٣٨٩). ***تمدن هخامنشی***. ج٢. تهران: سمت.

١٨. سایکس، سرپرسی. (١٣٣٦)، ***سفرنامه سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران***. ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.

١٩. سیرو، ماکسیم. (١٩۴٩). ***کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه***. ترجمه عیسی بهنام. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

٢٠. صداقت کیش، جمشید. (١٣٨٦). «کاروانسراها». ***وقف میراث جاویدان***. (شماره ۵٨)، ٦۵-۴٢.

٢١. صدیقیان، حسین. (١٣٩۴). ***گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش‌های گزیک و قهستان شهرستان درمیان***. ج١. مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی، منتشرنشده.

٢٢. طباطبایی، لسان‌الحق. (١٣٨۵). «پایاب»، ***فرهنگ مردم***. (شماره ١٧)، ٣٠-٢٦.

٢٣. عرفان‌منش، جلیل. (١٣٧٦). ***جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا(ع) از مدینه تا مرو***. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

٢۴. قبادیانی. ناصرخسرو. (١٣٨٤). ***سفرنامه ناصرخسرو***. به‌کوشش محمود غنی‌زاده. تهران: اساطیر.

٢۵. کخ، هایدماری. (١٣٨٧). ***از زبان داریوش***. ترجمه پرویز رجبی. تهران: کارنگ.

٢٦. کیانی، محمد یوسف؛ و ولفرام کلایس. (١٣٧٣). ***کاروانسراهای ایران***. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

٢٧. کیانی، محمدیوسف. (١٣٧٦). ***تزئینات وابسته به معماری ایران در دوره اسلامی***. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

٢٨. گابریل، آلفونس. (١٣٧١). ***عبور از صحاری ایران***. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. مشهد: آستان قدس رضوی.

٢٩. گریشمن، رومن. (١٣٨٦). ***ایران از آغاز تا اسلام***. ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی.

٣٠. محمد بن ابراهیم. (١٣۴٣). ***سلجوقیان و غز در کرمان***. تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: کتابخانه طهوری.

٣١. محمودی‌نسب، علی‌اصغر. (١٣٩٧). ***گزارش بررسی باستان‌شناسی بخش دیهوک و دهستان پیرحاجات شهرستان طبس***. بیرجند: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی.

٣٢. معماریان، غلامحسین. (١٣٦٧). ***نیارش سازه‌های طاقی در معماری اسلامی ایران***. ج١. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران.

٣٣. مقدسی، محمد بن احمد. (١٣٦١). ***أحسن التقاسیم***. ج٢. ترجمه علی‌نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.

٣۴. مؤمنی، کوروش؛ و همکاران. (١٣٩۵). «بررسی تطبیقی ویژگی‌های تزیینات آجرکاری خانه آخوند ابوی خرم‌آباد و خانه سوزنگر دزفول.» ***اثر***. (شماره ٧٣)، ١۴٢-١٢٣.

٣۵. میر احمدی. مریم. (١٣٦٨). «راه‌های ایران در قرون نخستین اسلامی.» ***تحقیقات جغرافیایی***. (شماره ١٤). ١١١-١٠٠.

٣٦. میرخواند، محمد بن سید برهان‌الدین خاوندشاه. (١٣٣٩). ***روضه‌الصفا***. تهران، مرکزی.

٣٧. نراقی، حسن. (١٣۵٢). «راه‌سازی کاروانسرای شاه‌عباسی و برخی از بناهای تاریخی فراموش‌شده باغ و عمارات تاج‌آباد نطنز عباس‌آباد شکارگاه و بند عباسی یا سد قهرود،» ***هنر و مردم***. (شماره ١٢٧)، ٧٣-۵٧.

٣٨. هدایت، رضاقلی. (١٣٧٣). ***فهرس‌التواریخ***. تصحیح هاشم محدث. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

٣٩. ویسهوفر، یوزف. (١٣٨٨). ***ایران باستان از ۵۵٠ پیش از میلاد تا ٦۵٠ پس از میلاد***. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.

40. Watson, Oliver. (2004). ***Ceramics from Islamic Lands***. New York: Thames & Hudson.

41. URL1: http://gndb.ncc.gov.ir, 2021